

پژوهشی در مشروعیت و صحت قرارداد اجاره رحم در فقه امامیه و آثار آن

حسین مصطفی پور^۱

مهدی عصمتی^۲

چکیده

یکی از پدیده‌های نوین جامعه بشری تولد کودک از طریق رحم اجاره‌ای است. که طی آن بانوی صاحب رحم، نطفه یا جنین فرد دیگری را در رحم خود حمل می‌کند و پس از طی دوران بارداری و زایمان، بر مبنای قراردادی از پیش منعقدشده، نوزاد حاصل را به زوج طرف توافق (والدین حکمی یا متقاضی) تحویل می‌دهد. استفاده از رحم اجاره‌ای در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و فقها قرار گرفته است. از آنجا که دلیل روشنی بر حرمت عمل مذکور در دست نیست عمل به اصل برائت می‌تواند تنها گزینه مورد وفاق باشد. با توجه به اصل مذکور و با توجه به عدم دلیل به تحریم از سویی و احراز عدم مخالفت چنین عملی با شریعت از سوی دیگر، می‌توان ادعا کرد که گرفتن تخمک از زن و لقاح آن با اسپرم مرد در خارج و سپس جایگزینی آن در رحم زن دیگر، محکوم به جواز می‌باشد و فقط از آیات، روایات، ابواب فقهی مرتبط و اصول و کلیات فقه شیعه و از ادله و روایات خاص مربوط به شیوه‌های غیرطبیعی تولید مثل، می‌توان احکام و آثار این روش را استنباط کرد. اگر گروهی از فقها به کارگیری این روش را مورد تردید قرار داده‌اند، احتمالاً به جهت بیم از ارتکاب کارهای مقدماتی حرام نظیر اخذ تخمک از زن توسط نامحرم و یا اخذ اسپرم به روش غیرمجاز بوده است.

در این تحقیق از روش تحلیلی توصیفی به صورت کتابخانه‌ای بهره می‌بریم.

کلیدواژه

اجاره رحم، تلقیح، تلقیح مصنوعی، رحم اجاره‌ای، ناباروری، نسب، حضانت.

۱. دانش‌آموخته رشته تخصصی مدرسه علمیه عالی نواب.

۲. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه خراسان.

استفاده از فناوری‌های جدید در زمینه پزشکی، مانند دیگر عرصه‌های زندگی انسان، امکانات جدید و پربهری در اختیار او قرار داده است. پیشگیری از وقوع برخی بیماری‌های خطرناک و همه‌گیر، کاهش رنج بیماران و افزایش امید به زندگی، از ثمرات بهره‌گیری از فناوری‌های جدید علوم پزشکی است. به‌رغم اینکه با دستاوردهای کنونی نمی‌توان به رفع و درمان همه بیماری‌ها برای همه افراد اقدام کرد، پیشرفت‌های دهه‌های اخیر، امکان امید به بهبود بسیاری از بیماران را ایجاد کرده است. یکی از این بیماری‌ها، ناباروری مردان و زنان است. تولد اولین فرزند حاصل از لقاح خارج رحمی، در سال ۱۹۷۸ این امکان را برای زوجین نابارور فراهم ساخت که برخلاف چند دهه قبل، همچنان به داشتن فرزند امیدوار باشند. از آن هنگام تاکنون، تکنیک‌های درمان ناباروری مانند تحریک تخمک‌گذاری، اهدای گامت، اهدای جنین و... به شکل گسترده‌ای مورد استفاده نیازمندان قرار گرفته است. امروزه بسیاری از زوج‌های جوان به علل مختلف، توانایی باروری و صاحب فرزند شدن را ندارند و از این رهگذر با نارسایی‌های عاطفی و اجتماعی جانکاهی مواجهند که گاه به جدایی منجر می‌شود. نازایی مسئله‌ای شایع و نگران‌کننده برای زوجین محسوب می‌شود و نازایی به عدم توانایی در حاملگی بعد از یک سال نزدیکی فعال زوجین بدون استفاده از وسائل جلوگیری‌کننده از حاملگی اطلاق می‌شود.

اکثر زوجین در سال اول یا دوم زندگی مشترک شانس حاملگی دارند و بعد از سال دوم این احتمال کاهش می‌یابد.

طبیعی است که هرگونه راهکاری که آنان را از این تنگنا رهایی بخشد، مورد استقبال قرار گیرد و ایشان را امیدوار سازد، به‌ویژه اگر به تأیید تعالیم دینی و ضوابط قانونی نیز برسد. یکی دیگر از راه‌های صاحب فرزند شدن زوج‌های نابارور، بهره‌گیری از فن‌آوری «رحم جایگزین» است. در این روش علاوه بر زوج نابارور، زنی که جنین را در رحم خود پرورش می‌دهد تا پس از تولد، آن را در اختیار زوج نابارور قراردهد نیز نقش و اهمیت ویژه‌ای دارد. از این روش در شرایطی استفاده می‌شود که زوجه فاقد توانایی لازم برای حمل و پرورش جنین در رحم خود باشد.

تعریف اجاره از نظر لغوی

اجاره به کسر و ضم و فتح همزه به‌کار رفته است اما لفظ مشهورتر آن با کسره تلفظ می‌شود. از نظر برخی از اهل لغت، اجاره، مصدر سماعی فعل «اجر» بر وزن حزب و قتل می‌باشد که مضارع آن با کسر و ضم میم است.

«اجر» یا «اجرت» از نظر لغوی و عرفی به‌معنای جزای به عمل است، اما اجاره به‌معنای کرایه‌دادن

است و معنی فقهی و شرعی آن نیز به این معنی نزدیک است.

تعریف اجاره در اصطلاح

فقه‌های امامیه در تعریف اجاره نظرات متفاوتی ابراز نموده‌اند ولی مشهور فقه‌های امامیه (بحرانی، ۱۴۱۲، ۲۱، ۵۳۱) در تعریف اجاره، آن را تملیک منفعت به عوض معلوم دانسته‌اند:

«الاجاره هی العقد علی تملیک بعوض معلوم» (شهید ثانی، ۱۴۲۳، ۴، ۳۲۸)

مرحوم رشتی در کتاب *الاجاره* خود بعد از بررسی لفظی اجاره آن را چنین تعریف نموده‌اند: «...اجاره عقدی است که مشتمل بر ایجاب و قبول است که مفید تملیک منفعت است». (رشتی، ۱۴۳۱، ۳، ۳۲۲)

صاحب جواهر درباره اجاره فرموده: بهترین تعریف برای اجاره این است که بگوییم: «آنچه تشریع شده است برای نقل منفعت به عوضی معلوم به دیگری ولو حکماً». (نجفی، ۱۴۲۷، ۲۷، ۲۰۴)

تلقیح از نظر لغوی

در لغت عرب، تلقیح را این‌گونه معنا کرده‌اند: لقحت الناقه لقحا و لقاحا: یعنی شتر باردار شد. اسم فاعل آن «لاقح» به معنای حامل است و آنچه در حدیث وارد شده به همین معنا است: «فما لقح و سلم کان هدیا»، آنچه باردار شود و سالم بماند هدی خواهد بود. «لقاح» اسم آب حیوان نر است و به معنای آنچه درخت نخل را با آن لقاح می‌کنند نیز می‌آید. زیرا در معنای تلقیح النخل آمده: «وتلقیح النخل هو وضع طلع الذكر فی طلع الانثی اول ما ینشق» و باب افعال «لقح»، «اللقح» و متعدی و اسم فاعل آن «ملقح و ملقحه» و جمع آن «ملاقح» است ولی در استعمال قرآن در آیه «وارسلنا الریاح لواقح» با آنکه «لواقح» جمع «لاقح» است، لواقح جمع «ملقحه» است، یعنی بادها درختان را باردار می‌کنند. (طریحی، ۱۴۲۸، ۲، ۴۰۸)

دیدگاه فقها در مورد استفاده از رحم زن دیگر

دیدگاه موافقان

۱. انصراف

این دسته از فقها معتقدند که زن صاحب رحم صرفاً جنین تکون‌یافته را حمل و در رحم خود پرورش

می‌دهد. این عمل دارای هیچ‌گونه عنوان حرامی نیست، نه مصداق زناست، نه مصداق ریختن نطفه در رحمی که بر مرد حلال نیست و نه مصداق جای دادن نطفه در چنین رحمی. چون روایات در این مورد به عملیات بهره‌برداری جنسی حرام، انصراف دارد. (رضانیا معلم، ۱۳۸۷، ۲۳۱) استدلال

دیگر این است که روایات در این زمینه به موردی انصراف دارد که رحم زن یکی از دو رکن تشکیل نطفه باشد، به طوری که این نطفه به وسیله تخمک همین رحم تشکیل شده باشد. اما در این مورد، رحم هیچ نقشی در تشکیل نطفه ندارد، بلکه ظرف مناسبی است که نطفه منتقل شده در آن پرورش می‌یابد و رشد می‌کند، از این رو اخبار و روایات شامل این مورد نمی‌شود و از آن انصراف دارد.

۲. اصل مباح بودن اشیاء

استدلال عده‌ای دیگر این است که: حال که محذور شرعی و دلیلی بر نفی اجاره رحم به دلیل محقق شدن ضرر یا منافات داشتن با حق دیگری و... وجود ندارد، می‌توان به اصل مباح بودن تمام اشیاء و فعالیت‌ها، جز مواردی که دلیل قطعی بر منع وجود داشته باشد و نیز اصل برائت عقلی و شرعی استناد کرد، به خصوص که عموم و اطلاق ادله‌ای که بر جواز اجیر شدن انسان و خدمات وی دلالت می‌کند دلیل بر جواز مسئله است.

البته در این استدلال نسبت به زنی که دارای شوهر است دو احتمال جواز و ممنوعیت منتفی نیست هر چند در هر دو مورد، حکم به جواز، خلاف احتیاط است. (همان، ۲۳۲)

دیدگاه مخالفان

مخالفان استفاده از رحم زن دیگر، استدلال‌های متعددی دارند. آن‌ها در مورد انتقال تخمک بارور زوجین به رحم بیگانه می‌گویند: روایاتی که بر حرمت تلقیح نطفه مرد بیگانه به زن بیگانه دلالت می‌کند فراگیر بوده، شامل این مورد هم می‌شود. هر چند که موضوع بحث، انتقال تخمک بارور شده از نطفه دو زوج است، عنوان‌های یادشده در روایات شامل مواردی که زوجین نطفه خود را بعد از ترکیب در رحم زن بیگانه می‌نهند نیز می‌گردد. این گروه به دو روایت استناد می‌کنند:

۱- روایت علی بن سالم که از امام صادق (ع) نقل کرده است: بدترین مردم در قیامت کسی است که نطفه خود را در رحم زنی که بر او حرام است قرار بدهد.^۱

۲- روایت اسحاق بن عمار که می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: زنا بدتر است یا نوشیدن شراب؟ چگونه در نوشیدن شراب هشتاد تازیانه و در زنا صد تازیانه مقرر شده است؟ امام فرمودند: ای اسحاق! حد یکی است، اما این مقدار در زنا افزوده شده، چون زنا سبب از بین بردن نطفه و قراردادن آن در غیر جایگاهی می‌شود که خداوند بدان دستور داده است. (حرعاملی، ۱۴۱۷، ۹، ۳۰۲)

استدلال این گروه این است:

۱. «قال: اشد الناس عذاباً يوم القيامة رجل اقر نطفته في رحم يحرم عليه.»

۱- همان‌طور که قراردادادن مستقیم نطفه در رحم زن از راه زنا (که راه معمول به حساب می‌آید) حرام است، از راه غیرمعمول (ترکیب اسپرم و تخمک و انتقال آن به رحم زن بیگانه) نیز حرام خواهد بود، زیرا موضوع حرام که قراردادادن نطفه در رحم حرام (غیرهمسر) باشد، محقق شده است.

۲- منظور از نطفه، همان آمیخته منی مرد و تخمک زن است، چنان‌که در روایت دیگر اسحاق بن عمار آمده است: از امام رضا(ع)، پرسیدم: زنی که از بارداری می‌ترسد، آیا می‌تواند دواپی بنوشد و آنچه در شکم دارد بیفکند؟ امام رضا(ع) فرمودند: خیر. گفتم: آنچه در شکم دارد نطفه است. امام فرمودند: نخستین چیزی که آفریده می‌شود نطفه است.

۳- جایگاه مشروع نطفه، رحم همسر است. حال، اگر در غیر این جایگاه یعنی در رحم زنی غیر از همسر گذاشته شود، طبق روایت‌های یادشده حرام است، مخصوصاً که در نسخه حدیث، عبارت: «فی غیر موضعه» یعنی غیر جایگاه شرعی آمده است.

با توجه به این مقدمات می‌توان گفت: نطفه (آمیخته اسپرم و تخمک) چه مشروع باشد و چه حرام، صرف قراردادادن آن در رحم غیرمشروع، ممنوع و حرام است، خواه رحم محارم باشد و خواه غیرمحارم (بیگانه)، اگرچه انتقال به رحم محارم، ناهنجاری بیشتری را در پی خواهد داشت.

۴- همچنین پاره‌ای از روایات، واژه «نطفه» را در معنایی عام به کار برده‌اند، طوری که شامل مراحل متعددی از تحول و تکامل اجزای ژنتیکی متعلق به زن و مرد، اسپرم و تخمک لقاح‌نیافته، تخمک بارور شده و حتی تخمک بارور شده‌ای که شروع به تکثیر سلولی نموده و به مراحل از رشد و تکامل رسیده است، می‌شود. به‌عنوان نمونه روایاتی وجود دارد که برای رشد مراحل جنین یا حمل، سقف زمانی تعیین نموده، از زمان لقاح و لانه‌گزینی تا چهل روز را مشمول نطفه دانسته و پس از چهل روز تا هشتاد روز را علقه و... دانسته است. بنابراین از دیدگاه این روایات، نطفه شامل مرحله بعد از لقاح هم می‌شود. (رضانیا معلم، ۱۳۸۷، ۲۳۴)

دیدگاه حقوق دانان

در بین حقوق دانان هم در موضوع مورد بحث اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای از حقوق دانان قرارداد استفاده از رحم زن را از نظر حقوقی به استناد اصل صحت در ماده ۱۰ قانون مدنی و «اوفو بالعقود» (گرجی، ۱۳۸۲، ۴۳۱) معتبر می‌دانند. (محقق داماد، ۱۳۸۸، ۳۳۴) اما عده دیگری این قرارداد را معتبر نمی‌دانند. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۱۳۴)

استدلال آنان این است که:

«این قرار داد تا جایی که به اجاره رحم مربوط می‌شود الزام‌آور نیست، بدن انسان نمی‌تواند موضوع هیچ قرارداد الزام‌آوری قرار گیرد و این چهره تازه‌ای از برده‌داری در قرن ماست. بنابراین، رابطه

صاحب رحم و طفل، تابع قانون است نه قرارداد». (همان، ۱۳۶)

همچنین این «قرارداد با اصل غیرقابل تصرف بودن جسم انسان و اصل غیرقابل تصرف بودن وضعیت اشخاص منافات دارد و می‌توان گفت مغایر با نظم عمومی است». (صفایی، ۱۳۸۹، ۲، ۱۲۳)

خوب است به مناسبت، توضیحی در رابطه با اصل صحت داشته باشیم:

در قلمرو قراردادها اصل صحت از تأثیر مهمی برخوردار است. با این اصل گاه به صحت قرارداد مشکوک‌الصحّه حکم می‌کنند و گاه قراردادی را که در فقه اسلامی نام و عنوان خاص ندارد و نیز قراردادهای جدید^۱ را صحیح می‌شمارند.

در مورد نخست باید گفت: هرگاه در صحت عقدی از این جهت شک کنیم که واجد چیزی است که احتمال مانعیت آن را می‌دهیم و یا فاقد چیزی است که احتمال شرطیت آن را می‌دهیم مثلاً در صحت عقد معلق شک کنیم از این جهت که واجد تعلیق است و ما احتمال مانعیت آن را می‌دهیم و یا در صحت عقد مجهول شک کنیم که فاقد علم به عوضین است و ما احتمال شرطیت آن را می‌دهیم، در چنین مواردی به موجب اصل صحت به درستی عقد حکم می‌کنیم. (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹، ۱، ۲۳۹)

صاحب عناوین می‌نویسد: فکل ما یسمی عقد الوشک فی صحتّه و فسادّه لفقد ما یحتمل کونه شرطاً او کونه مانعاً یحکم بالصحه لدخوله تحت العلوم. یعنی عمومی وفای به عقود^۲ حکم به صحت عقد در صورتی است که شک ما در صحت آن از قبیل شبهه حکمی باشد نه موضوعی. مثل اینکه در صحت بیع شک کنیم که آیا قبض در صحتش دخیل است یا نه (شک در دخالت شرط) و نیز در صحت معامله معلق تردید کنیم که آیا تعلیق مبطل قرارداد است یا خیر (شک در مانع) در چنین صورتی به اصل صحت استناد می‌کنیم و معامله را صحیح می‌انگاریم. (۱۴۲۶، ۱۶۲)

بدیهی است که توسل به اصل به معنی بالا در صورتی روا است که دلیل خاص معتبری بر لزوم وجود قید محتمل‌الدخل یا لزوم فقد قیدی که عدم آن محتمل‌الدخل است وجود نداشته باشد وگرنه باید موافق دلیل خاص رفتار شود و دلیل عام مورد تخصیص قرار گیرد. اما در شبهات موضوعی به اصل صحت در عقود نمی‌توان اسناد کرد زیرا مستند اصل مزبور عمومات و اطلاقات ادله است و به عمومات و اطلاقات وقتی می‌توان استناد کرد که وجود موضوع یا قیودش احراز شده باشد. مثلاً هرگاه در مورد صحت بیعی شک کنیم که آیا متعاقدين اهلیت داشته‌اند یا خیر؟ بدیهی است با استناد به اصل صحت در عقود نمی‌توان مشروعیت معامله را اثبات کرد زیرا معلوم

۱. مقصود قراردادهایی است که در عصر شارع وجود نداشته و در کتب فقهی هم غالباً عنوانی ندارند مخصوصاً قراردادهایی که در قرن‌های اخیر پدید آمده و مولود پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی و تجاری جدید می‌باشد، از قبیل بیمه، و اجاره رحم.

۲. هر آنچه را که عقد نامند هرگاه در صحت و فسادش به جهت احتمال فقد شرط یا احتمال وجود مانع تردید کنند، صحیح می‌شمارند زیرا داخل عموم وفای به عقود قرار می‌گیرد. (عناوین میر هلدالفتاح، عنوان فی اساله الصحه فی العقود)

نیست که معامله انجام یافته مصداق عنوان عقد یا تجارت و یا بیع واجد شرایط و فاقد موانع باشد تا بتوانیم به عموماً و اطلاعات تمسک کنیم و هیچ دلیلی از قبیل «وفوا بالعقود» و «احل الله البیع» (بقره، ۲۵۷) و امثال آن نمی‌تواند موضوع خود را اثبات کند و معلوم نماید که متعاملین حین وقوع معامله اهلیت داشته‌اند، البته هرگاه قبل از انجام معامله اهلیت متعاملین مسلم و در حین وقوع، مشکوک باشد با اجرای استصحاب آن‌ها را هنگام معامله نیز واجد اهلیت می‌شناسیم اما این حکم به اهلیت از طریق اصل مثبت موضوعی، در مثال ما استصحاب موضوعی، ناشی شده نه از راه «وفوا بالعقود» و یا دیگر ادله اثبات حکم. و در این گونه موارد می‌توان به اصل صحت عمل غیر یا قاعده فراغ و تجاوز تمسک کرد اما تمسک به اصل صحت عمل غیر هم در صورتی است که شرط محتمل از شروط محتمل‌الدخل در اهلیت طرفین یا مورد معامله برای عقد نباشد و گرنه آن اصل هم جاری نخواهد شد.

هرگاه ادله عامی وجود داشت، در اثبات عقد مشکوک به آن‌ها استناد می‌کنیم. بدیهی است که در عقدبودن قراردادهای جدید (از قبیل بیمه، قرارداد اجاره رحم و...) تردیدی نیست، مراتب نمی‌دانیم که این عقود مورد تأیید شارع است یا نه؟ اما از آنجا که ادله عام و مطلق بر صحت عقود در دست داریم از قبیل «وفوا بالعقود» و «لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجارة عن تراض»، همین می‌تواند مستند اصل صحت در عقود جدید قرار گیرد و یا با تمسک به آن‌ها و نیز حدیث «المؤمنون عند شروطهم» قراردادهای تازه را مورد تأیید قرار می‌دهیم و لزوم این امر را که باید قرارداد از عقود معینه باشد نادیده می‌گیریم.

ناگفته نماند که تأیید قراردادهای جدید در صورتی که شرایط عام صحت معامله در آن‌ها رعایت شده و از موانع مسلمی چون ربا مصون باشد، در این صورت نسبت به شروط و موانع احتمالی به اصل صحت استناد نموده و از احتمال تأثیر آن‌ها چشم می‌پوشیم.

اگر ادله عام وجود نداشته باشد مقتضای اصل اولی فساد و بطلان معامله مشکوک است. صاحب عناوین می‌نویسد: اصل در معاملات همچون عبادات، فساد است به معنی عدم ترتب اثر شرعی، زیرا ترتیب اثر بر آن‌ها امری توفیقی و محتاج به ثبوت از سوی شارع است و اصل، عدم آن است و تمسک به اصل فساد در جمیع مواردی که دلیل بر صحت موجود نیست مجمع‌علیه همگان است. (میرفتاح، ۱۴۲۳، ۲، ۱۲۳)

استاد دکتر گرجی در این زمینه می‌نویسد: آثار هر عقد امور حادثی است که مسبوق به عدم است و مقتضای استصحاب حالت سابق، عدم وجود همه آن‌ها است. این اصل که بدان استصحاب عدم تأثیر نیز گفته می‌شود در مواردی جاری است که ادله لفظی به علتی جاری نیست و نتیجتاً اصل صحت عقد هم که زائیده آن است جاری نمی‌باشد. در این صورت است که باید به اصل اول

که اصل فساد معامله است و از استصحاب استفاده شده تمسک کرد. (گرچی، ۱۳۸۷، ۱، ۴۰) نظر به جهات مذکور اگر دلیلی بر صحت قراردادهای تازه و یا فاقد عنوان موجود نباشد مقتضای اصل اول چنان که اشاره شد فساد و بطلان است که از استصحاب عدم تأثیر ناشی می شود زیرا عقود برای انسان آثار و یا تکالیف و الزاماتی ایجاد می کنند که اگر نمی بودند چنان آثار و تکالیفی هم پیدا نمی شد. حال اگر در مورد معامله جدید شک کنیم که آیا آثار و الزاماتی ایجاد می کند یا خیر باید به استصحاب متوسل شویم و استصحاب می گوید چون پیش از این معامله مشکوک، آن آثار و الزامات وجود نداشته، حال هم موجود نیست.

اما از آنجا که دلایل عام بر صحت عقود چون «اوفوا بالعقود» و نظایرش موجود است دیگر نوبت به اصل عملی یعنی استصحاب نمی رسد زیرا اصول عملیه از جمله استصحاب، در موارد شک جاری می شوند و هنگامی دلیل به شمار می آیند که امارات و اصول لفظیه، خواه خاص چون «احل الله البيع» و خواه عام چون «اوفوا بالعقود» وجود نداشته باشد و گرنه با وجود اماره و دلیل لفظی، شک مرتفع می شود و اصل عملی که استصحاب از آن جمله است از اعتبار می افتد و بلامانع می ماند.

ماهیت قرارداد استفاده از رحم زن

قانون گذار تمام حقوق و تکالیف طرفین عقود معین را در قانون مشخص کرده است اما قرارداد استفاده از

رحم زن شرایط متفاوتی دارد که در قالب این عقود معین نمی گنجد. با وجود این به موجب اصل حاکمیت اراده (ماده ۱۰ قانون مدنی) که بر اساس آن قرارداد خصوصی به هر شکلی بسته شود در حقوق کنونی تابع قواعد عمومی قراردادهاست می تواند پذیرفته شود.

آثار قرارداد

قرارداد برای متعاملین دارای آثاری است و ممکن است آثاری نسبت به اشخاص ثالث نیز داشته باشد. این آثار هم برای قرارداد و هم تعهداتی است که از طریق قرارداد ایجاد می شود. (کاتوزیان، ۱۳۷۹، ۱۰۹)

نسبت به متعاملین

در رابطه بین طرفین قرارداد «اصل لزوم» یا اجباری بودن قرارداد پذیرفته شده است، به این معنی که اجرای قرارداد و ایفای تعهدات ناشی از آن اجباری است و هیچ یک از متعاملین اصولاً نمی تواند از اجرای تعهدات خویش امتناع کند و یا یک جنبه قرارداد را بر هم زند. براساس قرارداد، هر یک از طرفین نسبت به دیگری تسلط پیدا می کند و حقی برای او ایجاد می شود اما هر کجا که

حقی وجود داشته باشد در مقابل، تکلیف هم ایجاد می‌شود. تکالیف طرفین قرارداد شامل تکالیف طرفین نسبت به یکدیگر و تکالیف طرفین، نسبت به جنین می‌باشد. برای مشخص نمودن حقوق و تکالیف طرفین، لازم است طرفین قرارداد مشخص شوند.

طرفین قرارداد

این قرارداد دو طرف اصلی دارد: ۱- زوجین؛ ۲- زن صاحب رحم. ولی افراد حقیقی و حقوقی دیگری هم درگیر این قرارداد هستند که عبارتند از: (۱) مؤسسه ناباروری یا بیمارستان؛ (۲) پزشک متخصص ناباروری؛ (۳) شوهر زن صاحب رحم؛ (۴) پزشک متخصص زنان و مامایی؛ (۵) روان‌پزشک، مشاور و روان‌کاو؛ (۶) بیمارستان و زایشگاه.

تکالیف زوجین نسبت به زن صاحب رحم

تعهدات زوجین نسبت به زن صاحب رحم از نوع تعهدات مالی است و آن‌ها مکلفند هزینه‌های مورد توافق در قرارداد و همچنین هزینه اقدامات پزشکی از مرحله انتقال جنین تا زایمان را بپردازند. این تعهدات براساس قرارداد است اما به لحاظ کیفیت زندگی جنین اقتضاء دارد که حداقل لوازم آسایش و آرامش زندگی زن صاحب رحم را در دوران بارداری فراهم آورند.

حقوق زوجین نسبت به زن صاحب رحم

عبارت است از حق ملاقات با زن صاحب رحم، کنترل و نظارت بر نحوه زندگی و فعالیت‌های او و همچنین کنترل انجام توصیه‌ها و مراقبت‌های پزشکی توسط زن صاحب رحم.

تکالیف زن صاحب رحم نسبت به زوجین

اولین تکلیف زن صاحب رحم این است که جنین صاحبان نطفه را حفظ نماید و حق ندارد بدون عذر موجه آن را سقط کند. اما براساس این قرارداد زن صاحب رحم تعهد به ایفای کاری را بر عهده می‌گیرد که به عوامل متعددی بستگی دارد. برای پرورش جنین ابتدا باید حاملگی صورت پذیرد. همان‌طور که در مبحث مقدور بودن مورد معامله توضیح داده شد، مهم‌ترین عامل در ایجاد حاملگی مسئله لانه‌گزینی است. لانه‌گزینی فرایندی است که به صورت طبیعی باید اتفاق بیفتد. با توجه به اینکه در این روش تشکیل جنین در آزمایشگاه صورت می‌پذیرد هر یک از اقداماتی که انجام می‌شود نیز حائز اهمیت است، زیرا تکوین رویان پیش از لانه‌گزینی به سازوکارهای به هم وابسته هم‌زمان بیشماری بستگی دارد که هر یک باید در زمان درست در طی رویان‌زایی عمل کند.

«تکوین یک فرد جدید فرایند طولانی و پیچیده‌ای است که می‌تواند در هر مرحله‌ای ناموفق باشد. هر مرحله فقط در صورتی روی می‌دهد که تمام موارد قبلی به درستی کامل شده باشد، بنابراین

هر حلقه در این زنجیره اساسی است.» (هایپر جویس، ترجمه حسین مزدارانی، ۱۳۸۹، ۲۳۶) به غیر از مسئله لانه‌گزینی، سقط نیز یکی از عواملی است که ایفای تعهد زن صاحب رحم را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. سنّ گامت‌ها (اسپرم و تخمک) در میزان سقط خود نقش مستقیم دارد. شرایط پایین‌تر از حد مطلوب در محیط رحم که در مراحل اولیه لانه‌گزینی و تغذیه جنین بسیار مهم است می‌تواند باعث از دست دادن جنین شود.

بر این اساس زن صاحب رحم در مقابل تعهد مالی زوجین انجام کاری را متعهد می‌شود که از قدرت او خارج بوده، به شرایط و مسائل متفاوتی وابسته است که هر یک می‌تواند مانع از انجام تعهدات زن صاحب رحم گردد. اگرچه این موارد با تشخیص پزشکی باید محرز گردد اما نکته قابل‌تأمل اینکه زن صاحب رحم برای رفع مسئولیت نیاز دارد که این موارد را اثبات نماید. این موضوع یکی از موارد مهم این قرارداد است. طبیعی است که زن صاحب رحم نسبت به این مسائل شناخت و آگاهی نداشته باشد و با این وصف تعهد به چنین اموری در مقابل تعهد مالی بیانگر عدم توازن و تعادل بین تعهد طرفین است.

جنبه دیگر تعهد زن صاحب رحم مربوط به اموری است که انجام یا عدم انجام آن مورد نظر زوجین است مثل عدم استعمال سیگار و عدم مصرف مشروبات الکلی. این موارد ممکن است، در قرارداد هم ذکر شود اما با توجه به اینکه عدم انجام این امور از مسائل اخلاقی است حتی اگر در قرارداد هم ذکر شود، الزامی برای متعهد ایجاد نمی‌کند و متعهد را نمی‌توان مجبور نمود. همچنین اگر «تکالیفی که عرف و اخلاق انجام آن را لازم نمی‌بیند در قرارداد آمده باشد نیز برای زن صاحب رحم ایجاد التزام نمی‌کند». (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۱۳۶)

حقوق زن صاحب رحم نسبت به زوجین

با توجه به تعهدات زوجین که مالی است، حقی که برای زن صاحب رحم ایجاد می‌گردد، مطالبه هزینه‌های تعیین شده در قرارداد است.

حقوق جنین و تکالیف طرفین قرارداد نسبت به آن

از زمان انعقاد نطفه و شکل‌گیری جنین، هر کشوری - از جمله ایران - امتیازاتی را تحت عنوان حقوق مدنی به جنین اعطا نموده است. از مهم‌ترین حقوق جنین حق حیات است به همین جهت در نظام حقوقی اسلام سقط جنین ممنوع و برای عاملان آن حتی اگر پدر و مادر باشند قصاص و مجازات در نظر گرفته شده است. بر اساس قرارداد نیز هر یک از طرفین ملزم به حفظ جنین خواهند بود و «از زمان انعقاد نطفه چون جنین دارای حق حیات است اصولاً پدر و مادر نیز حق تسلط بر آن را نخواهند داشت و نمی‌توانند زن صاحب رحم را مجبور به سقط نمایند. زن صاحب

رحم نیز بر اساس شرع و اخلاق هم وظیفه دارد که جنین را حفظ نماید». (یزدانیان، ۱۳۸۹، ۲۴۵)

نسبت به اشخاص ثالث، قانون مدنی در ماده ۲۳۱ مقرر می‌دارد: «معاملات و عقود فقط درباره طرفین متعاملین و قائم‌مقام قانونی آن‌ها مؤثر است، مگر در ماده ۱۹۶». این ماده مبین یکی از اصول مهم حقوقی است که عبارت است از «اصل نسبی بودن قرارداد» یا «اثر نسبی قرارداد». برای تمییز قلمرو اجرایی عقد در میان اشخاص، ماده ۲۳۱ راهنمایی می‌کند که حکومت عقد محدود به «طرفین متعاملین» و قائم‌مقام قانونی آن‌هاست. دیگران از آن حکومت بیرون می‌مانند و در اصطلاح «شخص ثالث» نامیده می‌شوند. در بیان مفهوم شخص ثالث باید به تعریف منفی پرداخت و گفت: «کسی است که از دیدگاه حقوق، یکی از دو طرف عقد یا قائم‌مقام او نیست». (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۱۳۹)

قائم‌مقام قانونی کسی است که در حقوق و تکالیف طرف معامله جایگزین او می‌شود و بر دو گونه است: قائم‌مقام عام و قائم‌مقام خاص.

قائم‌مقام عام

قائم‌مقام عام کسی را گویند که در کلیه حقوق و تکالیف شخص، جایگزین او گردد. وارثان هر کسی قائم‌مقام او هستند. از این رو قراردادهایی که مورث منعقد کرده، حقوق و تکالیفی که از آن‌ها ناشی شده است نسبت به ورثه که قائم‌مقام عام‌اند مؤثر خواهد بود. (صفایی، ۱۳۸۵، ۲، ۳۴۴)

قرارداد استفاده از رحم زن، که جنبه شخصی دارد و به لحاظ شخص طرف معامله منعقد شده است، به فوت وی منفسخ می‌شود، از آنجا که بخشی از حقوق زن صاحب رحم مالی است در مورد حقوق مالی که در اثر قرارداد برای او ایجاد می‌گردد ورثه قائم‌مقام او هستند اما در مورد تعهدات که صرفاً باید از طریق زن صاحب رحم انجام شود، این تعهدات به قائم‌مقام منتقل نمی‌گردد.

قائم‌مقام خاص

در این قرارداد شخصی را که به‌عنوان قائم‌مقام خاص می‌توان در نظر گرفت جد پدری طفل می‌باشد که در صورت فوت والدین طفل، حقوق و تکالیف پدر طفل به وی منتقل می‌گردد و در صورتی که جد پدری برای سرپرستی طفل وصی تعیین نماید وصی بعد از فوت جد پدری قائم‌مقام پدر طفل خواهد بود، و این دو به‌عنوان ولی خاص طفل، قائم‌مقام خاص در مورد حقوق

۱. هر کسی که معامله می‌کند آن معامله برای خود آن شخص محسوب است مگر اینکه در موقع عقد، خلاف آن را تصریح نماید یا بعد، خلاف آن ثابت شود مع‌ذالك ممکن است در ضمن معامله که شخص برای خود می‌کند تعهدی هم به نفع شخص ثالث بنماید.

و تعهدات ناشی از قرار داد می‌باشند.

استناد قرارداد استفاده از رحم زن در برابر اشخاص ثالث

مهم‌ترین اشخاصی که در قرارداد استفاده از رحم زن نسبت به آنان استناد می‌شود شوهر زن صاحب رحم است و افرادی که در اثر قرارداد نسبت به آنان و طفل متولدشده محرمیت ایجاد می‌گردد.

۱- استناد به قرارداد نسبت به شوهر زن صاحب رحم:

در صورتی که زن صاحب رحم، شوهر داشته باشد این قرارداد برای نفی رابطه پدری بین طفل متولدشده و شوهر زن صاحب رحم مورد استناد قرار می‌گیرد.

۲- اشخاصی که نسبت به آنان رابطه محرمیت ایجاد می‌شود:

در رابطه با نسبت زن صاحب رحم و طفلی که در اثر قرار داد متولد می‌شود، فقهای که انعقاد این قرارداد را از نظر شرعی نیز جایز می‌دانند به چند گروه تقسیم می‌شوند: عده‌ای زن صاحب رحم را مادر طفل می‌دانند.^۱

عده‌ای زن صاحب تخمک را مادر طفل می‌دانند.^۲

عده‌ای قائل به دو مادر برای طفل هستند.^۳

عده‌ای معتقدند که نتایج و اثر رضاع بین آن‌ها ایجاد می‌شود.

اما همه فقهای که قرارداد را جایز می‌دانند نسبت به یک موضوع اتفاق نظر دارند و آن مسئله «محرمیت» است که در اثر قرارداد بین زن صاحب رحم و طفل ایجاد می‌گردد. بر این اساس طفل نسبت به محارم زن صاحب رحم ممنوعیت ازدواج دارد و این قرارداد نسبت به آنان قابل استناد است.

تأثیر قرارداد در تعیین نسب

در قرارداد استفاده از رحم زن، در فرض ما که جنین از اسپرم و تخمک زن و شوهر شرعی در آزمایشگاه تشکیل می‌شود، در نسب پدر طفل تردیدی وجود ندارد اما با توجه به اینکه طفل با دو زن، یکی صاحب تخمک و دیگری صاحب رحم که جنین را پرورش می‌دهد رابطه تکوینی دارد، این سؤال مطرح می‌شود که طفل، منسوب به کدام یک از دو زن است، به زن صاحب رحم یا زن

۱. آیت‌الله روحانی (استفتاء ۱۸ صفر ۱۴۲۶)، آیت‌الله تبریزی (استفتاء شماره ۴۵۳- ۱۳۸۴/۱/۳۰) و آیت‌الله موسوی اردبیلی (استفتاء شماره ۱۲/۵۱۲- ۱۳۸۴/۱/۲۵).

۲. آیت‌الله صافی گلپایگانی (استفتاء شماره ۲۹۹۱/۸۳؛ آیت‌الله منتظری (شماره ۴۶۳۰- ۱۳۸۴/۱/۳۰)، آیت‌الله مکارم شیرازی (استفتاء شماره ۹۶۴۳- ۱۳۸۴/۱/۱۴)، آیت‌الله صانعی (استفتاء شماره ۱۲۱۰۹- ۱۳۸۴/۱/۳۰)، آیت‌الله جناتی و آیت‌الله قبله‌ای.

۳. آیت‌الله موسوی اردبیلی (استفتاء شماره ۱۲/۵۱۲- ۱۳۸۴/۱/۲۵).

صاحب تخمک؟ برای پاسخ به سؤال لازم است مطالبی در مورد نسب بیان گردد که قبلاً توضیح کامل داده شده است.

نسب به معنی خاص عبارت است از رابطه پدرفرزندی یا مادرفرزندی و به دیگر سخن، رابطه طبیعی و خونی میان دو نفر است که یکی به طور مستقیم از صلب یا بطن دیگری به دنیا آمده است. نسب به مفهوم خاص، ممکن است پدری یا مادری باشد ولی نسب به مفهوم عام، ممکن است پدری یا مادری و یا ابوینی باشد.

قبلاً بحث شد که ثبوت «نسب» اهمیت زیادی دارد. خداوند سبحان در قرآن می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا» (فرقان، ۴۵)

به واسطه «نسب» فرزندان به پدران و نیاکانشان افتخار می‌کنند، از این رو، در شریعت اسلام برای شناسایی «نسب» اهتمام ویژه‌ای به عمل آمده است و نخستین حقی که پس از ولادت کودک برای وی جعل می‌شود نسب اوست». (مرقاتی، ۱۳۸۹، ۲۶۵)

آنچه سبب انتساب طفل به پدر و مادر می‌شود رابطه زوجیت بین آنان یا اعتقاد به وجود چنین رابطه‌ای است.

اثبات نسب مادری

در قانون مدنی ایران، مقررات ویژه‌ای برای اثبات نسب مادری وجود ندارد و قواعد آن تابع احکام عمومی دلایل اثبات دعوی است. نسب مادری بر مبنای امور محسوس و آشکار قابل اثبات است و به دو عامل بستگی دارد:

۱- زایمان زن؛

۲- انطباق فرزندی که به دنیا آورده است با مدعی نسب.

هیچ یک از این دو عامل در زمره اعمال حقوقی نیست تا دلایل اثبات آن محدود باشد. حاملگی و زایمان در شمار وقایع خارجی، مانند تولد و مرگ و تصادم دو اتومبیل، قرار دارد و با هر دلیلی از جمله شهادت و امارات نیز قابل اثبات است. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۱۴۳)

برای اثبات نسب مادری، ثابت کردن زایمان کودک از مادر کفایت می‌کند پس ولادت کودک از مادر دلیل قاطعی است بر اینکه آن زنی که کودک را به دنیا آورده است از نظر بیولوژی و قانونی مادر حقیقی طفل است و قانون نیز زنی را مادر طفل به شمار می‌آورد که او را زایمان کرده است. آیات قرآنی نیز عمدتاً زایمان را ملاک و معیار مادری معرفی می‌فرماید: «الَّذِينَ يَظَاهِرُونَ مِنكُم مِّن نِّسَابِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنَّ أُمَّهَاتَهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ». (مجادله، ۲)

بهره‌برداری از آیه بدین گونه است که آیه مطلقاً زنانی را که می‌زایند مادر محسوب داشته، خواه

تخمک از وی باشد یا نباشد، به خصوص که با کلمات حصر این مفهوم را اعلام نموده است. سؤال این است که آیا عرف، تکون انسان از اسپرم مرد و تخمک زن را منشأ اعتبار رابطه نسبی می‌داند و یا پرورش جنین در رحم زن و تولد از او، یا هر دو را منشأ اعتبار می‌داند؟

نتیجه

قرارداد استفاده از رحم، قراردادی است که به موجب آن یک زن در مقابل یک زوج (بارور یا نابارور) موافقت می‌کند که جنین را برای آن‌ها حمل کند و به دنیا آورد و پس از تولد، کودک را به زوجین تحویل دهد. قرارداد ممکن است معوض باشد یا غیرمعوض. در قرارداد معوض در مقابل خدمات زن صاحب رحم، مبلغی را به عنوان حق الزحمه در نظر می‌گیرند که این مبلغ عوض تعهدات زن صاحب رحم تلقی می‌شود. بنابر نظر اکثر فقها گرفتن اجرت در مقابل انجام این عمل جایز است. این قرارداد با توافق دو اراده (زوجین و زن صاحب رحم) به وجود می‌آید که نتیجه و منظور از توافق ایجاد تعهد برای طرفین است. قرارداد علاوه بر شرایط عمومی قراردادها (مندرج در ماده ۱۹۰ قانون مدنی) باید واجد شرایط خاص نیز باشد. در قرارداد استفاده از رحم زن، به دلیل اینکه در زمان انعقاد قرارداد چند جنین به رحم زن منتقل می‌شود و معلوم نیست چند تا از آن‌ها منجر به حاملگی می‌شود تعیین مورد تعهد دقیقاً امکان‌پذیر نیست. تعهد زن صاحب رحم، پرورش جنین بوده و تعهد به حاملگی که به صورت طبیعی باید صورت پذیرد، خارج از قدرت زن صاحب رحم است.

مشروعیت این قرارداد منوط به مشروعیت دو موضوع «تلقیح مصنوعی» و «انتقال جنین» است که در حقوق ایران برای آن منع قانونی وجود ندارد. ولی با توجه به اینکه جنین به رحم زن دیگری به غیر از زوجه منتقل می‌شود مشروعیت این عمل نیز باید محرز گردد. نظریات فقهی معاصر امامیه در مورد اعتبار این قرارداد متفاوت است، عده‌ای از فقها استفاده از رحم زن دیگر را در تولید مثل جایز و قرارداد را معتبر می‌دانند. به نظر عده دیگری از فقها این عمل حرام است و قرارداد اعتباری ندارد چرا که معامله بر عمل حرامی صورت گرفته است و زن، مستحق اجرت نیست و اگر دریافت کرده باید به صاحبش ارجاع دهد و برگرداند.^۱ دیدگاه حقوق دانان ایران نیز در این مورد متفاوت است. به نظر برخی از حقوق دانان این قرارداد صحیح و معتبر است و به نظر برخی دیگر به علت مغایرت با نظم عمومی باطل است، و به دلیل تردید در معلوم بودن، مقدور بودن و مشروع بودن مورد معامله، اعتبار حقوقی این قرارداد مورد تردید است. از نظر ماهیت، قرارداد استفاده از رحم زن با عقود معین منطبق نبوده، و در زمره عقود بی‌نام قرار می‌گیرد و بر اساس

۱. صدر، سیدمحمد، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۲۴؛ التلقیح الصناعي بین العلم و الشریعه، ص ۱۲۰.

ماده ۱۰ قانون مدنی (اصل حاکمیت اراده) می‌تواند پذیرفته شود. بر اساس اصل حاکمیت اراده تعهدات افراد بر اساس اراده آن‌ها ایجاد می‌شود و مرجع آثار تعهدات نیز اراده آنان است. اما در این قرارداد همه آثار قرارداد بر اساس اراده طرفین نمی‌تواند تعیین شود و پاره‌ای آثار قهری بر آن مترتب می‌شود. مهم‌ترین اثر، قرابت و نسب حاصل از قرارداد است که به‌صورت قهری و غیرارادی حاصل می‌شود. بر اساس این قرارداد طفلی که متولد می‌شود با دو زن رابطه تکوینی دارد و به نظر اکثر فقها موجب ایجاد محرمیت بین طفل و زن صاحب رحم می‌شود. بعضی از فقها زن صاحب تخمک را مادر طفل می‌دانند، بعضی دیگر زن صاحب رحم را مادر طفل می‌دانند و بعضی قائل به دو مادر برای طفل هستند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. امامی، اسدالله، مطالعه تطبیقی نسب در حقوق ایران و فرانسه، چاپ اول، تهران، مؤسسه حقوق تطبیقی، ۱۳۴۹.
۳. آخوندی، محمد مهدی، محمدرضا صادقی، ضرورت به کارگیری تکنیک‌های باروی کمکی در تولید مثل انسان، مجموعه مقالات، سمت، ۱۳۸۰.
۴. ابن منظور، لسان العرب، چاپ اول، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق.
۵. اهری، محمد هاشم، نسبت ناشی از لقاح مصنوعی در اسلام و ایران، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۸۲.
۶. اهدای گامت و جنین در درمان ناباروری از دیدگاه پزشکی، فقهی، حقوقی و اخلاقی، مجموعه مقالات، سازمان سمت، تهران، ۱۳۸۴.
۷. بروجردی عبده، محمد، کلیات حقوق اسلامی، چاپ دوم، تهران، بی‌نا، ۱۳۳۹.
۸. بروجردی عبده، محمد، حقوق مدنی، گنج دانش، ۱۳۸۰.
۹. بهجت، محمد تقی، جامع المسائل، قم، ۱۳۸۴.
۱۰. حرم پناهی، سید محسن، تلقیح مصنوعی، مجله فقه اهل بیت (ع)، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰، (بهار و تابستان ۱۳۷۶).
۱۱. حسینی خامنه‌ای، سید علی، پزشکی در آینه اجتهاد، چاپ اول، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۵.
۱۲. قبله‌ای، خلیل، بررسی فقهی و حقوقی کودکان نامشروع، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی دانشکده علوم قضایی، شماره ۱۳ و ۱۴.
۱۳. فیروزآبادی، مجدالدین، القاموس المحيط، دارالمعرفه، بیروت.
۱۴. فتاحی معصوم، سید حسن، مجموعه مقالات سمینارهای پزشکی در اسلام، مشهد، دانشگاه فردوسی.
۱۵. الزحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق، دارالفکر و دارالفکر المعاصر، بیروت، ۱۹۹۷.
۱۶. رضایا معلم، محمدرضا، باروری‌های پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳.
۱۷. روش‌های نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق، مجموعه مقالات، تهران، پژوهشکده ابن‌سینا و سازمان سمت، ۱۳۸۲.
۱۸. رحم جایگزین، مجموعه مقالات، انتشارات سازمان سمت، تهران، ۱۳۸۶.

۱۹. روحانی علی آبادی، محمد، حکم شرعی تلقیح اسپرم و نطفه بیگانه، ۱۳۷۷.
۲۰. شهید ثانی، مسالک الافهام.
۲۱. صفائی، سیدحسین و اسدالله امامی، حقوق خانواده (قربانیت و نسب و آثار آن)، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
۲۲. صفایی، سیدحسین، قواعد عمومی قراردادهای، انتشارات میزان، چ ۲، تهران، ۱۳۸۳.
۲۳. صفایی، سیدحسین، تولید مثل مصنوعی با کمک پزشکی انتقال جنین در حقوق فرانسه و ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۴، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۲۴. عبدالدائم، احمد، اعضاء جسم الانسان ضمن التعامل القانون، رساله دکتری، ۱۹۹۹، بیروت.
۲۵. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، خانواده، چاپ چهارم، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۷۵.
۲۶. علوی ناصر، محمد، الحضانه بین الشریعه و القانون، ۲۰۰۲ م عمان، دار العلمیه الدولتیة، الطبعة الاولى.
۲۷. کاظمزاده، حسین، جنبه حقوقی لقاح مصنوعی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۲۶.
۲۸. مؤمن قمی، محمد، تلقیح مصنوعی، مجله فقه اهل بیت (ع)، سال اول، شماره چهار، ۱۳۷۴.
۲۹. یزدی، محمد، باروری های مصنوعی و حکم فقهی آن، مجله فقه اهل بیت (ع)، سال دوم، شماره ۶۵، ۱۳۷۵.
۳۰. مؤمن قمی، محمد، سخنی درباره تلقیح، ترجمه موسی دانش، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، چاپ اول.
۳۱. ابن ادریس حلی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۳، چاپ دوم، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۳۲. بحرانی، یوسف، الحقائق الناضرة، قم، مؤسسه نشر اسلامی، بیتا.
۳۳. حسینی روحانی، سید محمد صادق، المسائل المستحدثه، چاپ دوم، بیروت، دارالزهراء، ۱۳۹۳ ق.
۳۴. حکیم، محمد تقی، الاصول العامه للفقهاء العامه، مؤسسه آل البيت للطباعة و النشر.
۳۵. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (فخر المحققین)، ایضاح الفوائد فی شرح القوائد الاحکام، چاپ اول، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۹ ق.
۳۶. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، قواعد الاحکام، ج ۲، چاپ سنگی، قم، منشورات رضی، بیتا.
۳۷. حلی (محقق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تهران، استقلال.
۳۸. الحر العاملی، محمد بن الحسن، تفصیل وسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.

۳۹. خویی، ابوالقاسم، مبانی تکمله منهاج.
۴۰. خویی، ابوالقاسم، رساله توضیح المسائل.
۴۱. کرکی، علی بن حسین (محقق ثانی)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۱ق.
۴۲. گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقها، قم، نشر الهادی، قم.
۴۳. مشکینی، علی، مصطلحات الفقه، چاپ اول، قم، نشر الهادی، ۱۳۷۷.
۴۴. مغنیه، محمدجواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، چاپ ششم، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۶۰ق.
۴۵. محسنی، محمدآصف، الفقه و المسائل الطیبة، چاپ اول، قم، مطبعة یاران، ۱۴۱۷ق.
۴۶. موسوی اردبیلی، سیدعبدالکریم، فقه الحدود و التعزیرات، چاپ اول، قم، مکتبه امیرالمومنین (ع)، ۱۴۱۳ق.
۴۷. موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۳.
۴۸. موسوی خمینی، روح الله، رساله توضیح المسائل.
۴۹. موسوی بجنوردی، سیدحسن، القواعد الفقهیة، چاپ دوم، قم، مطبعة اسماعیلیان، ۱۴۱۳ق.
۵۰. مرقاتی، سیدطه، بررسی تکنیک های باروری مصنوعی از دیدگاه فقهی و حقوقی، رساله دکتری، دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد.
۵۱. موسوی سبزواری، سیدعبدالاعلی، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، چاپ چهارم، قم، مؤسسه المنار، ۱۴۱۷ق.
۵۲. مؤمن قمی، محمد، کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة، چاپ اول، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵ق.
۵۳. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، چاپ هفتم، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، بیتا.
۵۴. حرّ عاملی، محمد، وسائل الشیعة، چاپ چهارم، تهران، مکتبه اسلامیة، ۱۳۹۷ق.
۵۵. صدر، سیدمحمد، ماوراء الفقه، مطبعة الاداب، نجف اشرف، ۱۹۹۶م.
۵۶. حسینی، شهاب الدین، التلقیح الصناعی بین العلم و الشریعة، دارالهادی لبنان، ۲۰۰۱م.
۵۷. شیخ صدوق، الخصال.
۵۸. مؤند، حسین، مسائل من فقه الاستدلالی، چاپ اول، قم، مطبعة شهید، ۱۴۱۵ق.
۵۹. هیدجی، عبدالرحمن المحمدی، النسب و فروعه الفقهیة، چاپ اول، قم، مطبعة علمیه، ۱۳۷۵ق.
۶۰. یزدی، محمد، ثلاث رسائل فقهیه، چاپ اول، قم، پیام مهدی، ۱۳۷۷.

۶۱. سایت مرکز باروری و ناباروری جهاد دانشگاهی.
۶۲. سایت www.sid.ir.
۶۳. سایت www.seraj.ir.
۶۴. سایت بانک مقالات اسلامی ایران.
۶۵. نرم افزار جامع فقه و اصول، مرکز علوم اسلامی نور.